

گفت‌وگو با حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم اولی که از معضل اعتیاد می‌گوید

«کت چرمی» قصه‌گوست

اگر بخواهید فیلم خودتان را طوری به مخاطب معرفی کنید که برایش کنجکاوی برانگیز باشد، چه می‌گویید؟

جواد عزتی در این فیلم کارمند بخش حراست سازمان بهزیستی است و در یکی از روزهایی که برای سرکشی از کودکان بی سرپرست مراجعه می‌کند با موردی درباره سوء مصرف مواد در این مرکز برخورد می‌کند، مشکوک شده و دیدن این صحنه موجب می‌شود که پیگیر اتفاقات شود. در حقیقت ما نوعی سفر قهرمان را در این فیلم برای کشف حقیقت یا اجرای عدالت داریم.

چه شد که به انتخاب جواد عزتی در «کت چرمی» رسیدید؟

زمانی که روی فیلم «نام مرده» کار می‌کردم و روی مسائل کودکان تحقیقاتی انجام می‌دادم، با موضوعات و آدم‌هایی روبه‌رو شدم که باعث شد به خط داستانی کت چرمی برسیم. من با آقای مسعود هاشمی‌نژاد که حدود دوسال است با هم همکار هستیم، دو فیلم کوتاه کار کردم و این موضوع را مطرح کردم. بنابراین، از سال ۹۹ به شکل جدی روی فیلمنامه کار کردیم. وقتی فیلمنامه آماده شد، چندان دنبال وقایع مختلفی برای ساخت فیلم نرفتم تا این‌که با کامران حجازی آشنا شدم که در آن زمان درگیر و دار کار در فیلم «مرد بازنده» بود. او، فیلمنامه را خواند و خوشش آمد و از همان آغاز هم به صورت جدی به جواد عزتی فکر می‌کردم، برای‌مان مهم بود که شخصی باشد که بتواند از پس چالش‌های نقش برپایید و خوشبختانه جواد عزتی این ویژگی‌ها را داشت. بنابراین با آقای حجازی جلسه‌ای گذاشتیم که بعد از خواندن فیلمنامه، نقطه نظرات خود را به ما منتقل کرد و پس از مرد بازنده به صورت جدی با ایشان کارمان را شروع کردیم.

چه دغدغه‌ای از ساخت این فیلم داشتید و چه تاژی‌ای برای شما داشت که سراغ ساخت چنین مضمونی رفتید؟

سال ۹۹ مستندی به نام «خارج از محدوده» ساختم که درباره یک کمپ ترک اعتیاد در شهر مشهد و محله توس بود. در حال کار کردن روی این مستند بودم که با پرونده‌ها و موضوعات مختلفی روبه‌رو شدم و به سمت آنها گرایش پیدا کردم. زمانی که نام مرده را ساختم، شبی که در یکی از این کمپ‌ها درحال شناخت آدم‌ها و رویکرد زندگی‌شان بودم، دخترخانمی به من جمله‌ای گفت و این این بود: «شاید هیچ وقت نفهمی که چقدر سخته شب‌ها راه بروی و روزها بخوابی»، چون حس امنیت در شب نداشت و برای این‌که یک جاس‌کان نباشد، شب‌ها در حال راه رفتن بود. من همان یک بار دیدمش اما آن جمله‌اش همیشه در ذهنم باقی ماند. بنابراین، این برایم دغدغه بود که ما همیشه درباره مقوله اعتیاد، بدبختی‌های آن و اتفاقاتی که درگیر آن هستیم در فیلم‌ها حرف می‌زنیم و آنها را نمایش می‌دهیم اما برایم واژه جبر اعتیاد، اهمیت داشت. به عنوان مثال، یکی از سوزه‌های تحقیقم که یک بچه ۱۴ ساله بود، به من گفت اولین بار مادرش برای آرام شدن درد، بدون این‌که بداند نه او تریاک داده بود. من به این جبر اعتیاد می‌گویم، بیشتر هم روی آدم‌هایی که با جبر اعتیاد روبه‌رو شدند و این‌که چطور می‌خواهند خودشان را از این مهلکه نجات دهند، تمرکز کردم. بنابراین، خیلی به سمتی که بخوام فلاکت را نشان دهم، نرفتم و تبدیل این مسائل به تصویری قابل قبول در سینما برایم اهمیت دارد. تمام تلاشم در ساخت فیلم این بود که سینما را نشان دهم و بعد به موضوعی که می‌خواهم نمایش دهم، بپردازم. دغدغه اصلی‌ا از ساخت این فیلم، رجوع به یک امید و پرداختن به آدم‌هایی بود که خودشان مانند شخصیت اصلی داستان ما (جواد عزتی) دغدغه دارند. هنوز آدم‌هایی در بدنه نظام کارمندی ما به دنبال این هستند که امید و شور زندگی را در آدم‌ها پیدا کنند. من جایی گفتم تمام کسانی که درگیر جبر اعتیاد هستند، واژه امید را بهتر از هر لغتنامه دیگری می‌توانند برای ما تعریف کنند.

چقدر ساخت کت چرمی زمان برد، چه چالش‌ها و سختی‌هایی برای ساخت فیلم داشتید؟

حدود دو ماه فیلمبرداری ما در پاییز ۱۴۰۱ طول کشید و من حدود ۴۵ لوکیشن داشتم. فیلمی به‌شدت پرلوکیشن و پر بازیگر بود و همه بازیگران صاحب‌نام بودند که به من لطف و اعتماد کردند و چالش اصلی ما تعدد لوکیشن‌ها بود. تعدد لوکیشن شاید در نظام بصری جذاب باشد اما در زمان تولید به‌شدت سخت خواهد بود. شاید

درباره جواد عزتی و بازی‌های چشم‌نوازش در جشنواره فیلم فجر

سیمرغ این بار بر شانه عزتی می‌نشیند؟

«ماجرای نیمروز: رد خون» و «آتابای» سرانجام برنده سیمرغ بازیگری می‌شود. اگر شد که چه عالی و اگر این اتفاق نیفتاد که همچنان عزتی را عشق است، همان طور که به قول جواد خیابانی و دلدارِ مرسوم گزارشگران وطنی، چیزی از ارزش‌های او و امثالهم کم نخواهد شد.

دوره چهلَم

جواد عزتی در سال‌های اخیر نه‌تنها همواره یک پای ثابت جشنواره فیلم فجر بوده و با آثاری در این رویداد حاضر شده بلکه تقریباً در همه یا بیشتر نقش‌ها درخشیده و نظر مثبت تماشاگران، منتقدان و حتی داوران را (دست‌کم در حد نامزدی سیمرغ) به‌دست آورده است. او سال گذشته با نقش سرهنگ احمد خسروی در فیلم «مرد بازنده» در جشنواره فیلم فجر حضور داشت. گرمی‌که به صورت عزتی را گرمگیان خسته و شخصیتش را بزرگ‌تر از سن واقعی‌اش نشان می‌داد، مثل خود فیلم نظرات متفاوتی پیدا کرد و موافق و مخالفانی داشت و اینجا چندان خبری از اتفاق نظر درباره کیفیت بازی عزتی و اثری از مهدویان نبود. همکاری قبلی عزتی با مهدویان در نقش مکبث‌گونه مالک مالکی در سریال «زخم‌کاری» با درخشش او و تحسین فراوان مخاطبان همراه شده بود اما در مرد بازنده، ور شکست بیشتر خودنمایی می‌کرد. بااین‌حال اگر از برخی سوراخ‌های فیلمنامه و روایت بگذریم، بازی عزتی با آن موثیف دندان درد کیفیت استاندارد و قابل‌قبولی داشت و شاید بدون آن گرم و اصرار برای افزایش سن عزتی به مردی ۵۶ ساله و روایت بهتر و بدون درز، بازی خوش‌بیشتر به چشم می‌آمد.

دوره سی‌وهشتم

عزتی در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر فیلمی

طیف توانایی‌های این بازیگر بود. اگر جان‌دار فیلم

جان‌دارتری بود و پایان بهتر و منسجم‌تری داشت، بازی عزتی هم بیشتر به چشم می‌آمد. هرچند با همین وضعیت کنونی فیلم هم او با آن گرمی خوب که به کار شخصیت‌پردازی هم آمد، گلیم خودش را از آب بیرون کشید و حضور رعب‌آور و تهدیدکننده او به نقش عاشق خطرناک، محرک درام بود و کار دست معشوق بینوا و خانوادہ‌اش داد. اما درخشش تام‌وتمام عزتی با ادامه نقش صادق، رئیس تیم اطلاعاتی ماجرای نیمروز اتفاق می‌افتد که با درک و دریافت درست و اجرای درخشان نقش برای جلوگیری از جریان نفوذ، سهم مهمی در موفقیت فیلم ماجرای نیمروز: رد خون دارد. باز خیلی‌ها در آن دوره فکر می‌کردند عزتی با این بازی خوبی چون وچرابی برای دریافت سیمرغ باقی نگذاشته اما این بازیگر در مراسم اختتامیه، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را به بازیگری واگذار کرد که بازی درخشانی در «مسخره‌باز» همایون غنی‌زاده داشت؛ علی‌نصیربان که از قضا یکی از بهترین بازی‌های کارنامه‌اش را به نقش یک سلمانی به نام کاظم‌خان انجام داد. شاید اگر جشنواره فیلم فجر سال‌ها قبل و به وقتش قدر بازی‌های استاد را می‌دانست و سیمرغی به او پیشکش کرده بود، شانس عزتی هم برای دریافت جایزه در دوره سی‌وهفتم بالا می‌رفت.

عزتی به جز اینها در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر هم حضور داشت و یکی از بازیگران «جهان با من برقص» سروش صحت در سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر بود. عزتی در این فیلم تحسین‌شده نقش احسان را به عهده داشت و آن خشم و عصیت وضعیت خاصش در میان جمع و کشمکش‌هایش با فرخ (رامین صدیقی) را به خوبی به مخاطب منتقل کرد.



حسین میرزامحمدی، کارگردان فیلم «کت چرمی» که امسال در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، عقبه و تحصیلاتی کاملاً تئاتری و سینمایی دارد. او از سال ۸۲ در دبیرستان کار تئاتر را شروع کرده است و تا زمانی که وارد دانشکده تاتر شده و رشته کارگردانی خوانده، در دو رشته کارگردانی و نویسندگی مشغول این کار بوده است. او برای ادامه تحصیلات در مقطع کارشناسی ارشد سینما از ایران رفته است و چندین سال با بهرام بیضایی کار کرده است. میرزامحمدی بعد از پایان تحصیلات، تصمیم می‌گیرد که به ایران بازگردد. او یکی از دلایل بازگشت به ایران را دیدن بازخورد فیلمش از نگاه مخاطبان عنوان می‌کند. این کارگردان در حدود چهارسالی که به ایران بازگشته، شش فیلم کوتاه ساخته است. یکی از فیلم‌های کوتاه میرزامحمدی «نام مرده» درباره یکی از بچه‌هایی است که در مرکز نگهداری از بچه‌های بی‌سرپرست خودکشی می‌کند و ماجرا حول این قضیه می‌چرخد. او از آن زمان تا به‌حال، درگیر این سوزه شده و پس از تحقیقاتی که حول این موضوع داشته به فیلم کت چرمی با بازی جواد عزتی رسیده است. برهمین اساس، گفت‌وگویی با این کارگردان انجام دادیم که از نظر می‌گذرانید:



دوره سی‌وششم

به سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر مربوط می‌شود، جایی که با بازی در نقش صادق «ماجرای نیمروز» حضور متفاوت و خیره‌کننده‌ای داشت و برای این بازی خوب نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد هم شد.

اگرچه او رقیبانی جدی مثل هادی حجازی‌فر، بازیگر نقش کمال در همین ماجرای نیمروز داشت و در نهایت هم سیمرغ را به نوید محمدزاده برای بازی در

«بدون تاریخ بدون امضا» باخت اما بازی عزتی در نقش صادق بسیار مورد تحسین قرار گرفت و سرآغازی بر مسیر تازه و درخشان بازیگری‌اش شد.

دوره سی‌وپنجم

با وجود این‌که سابقه حضور عزتی در جشنواره فیلم فجر به بیست‌وهشتمین دوره و به فیلم «طلا و مس» همایون اسعدیان برمی‌گردد و در دوره‌های بعدی هم به تداوب در این جشنواره حضور داشت اما نخستین حضور جدی و موفق او در

نقش و فیلمی قابل‌اعتنا



علی رستگار گروه فرهنگ و هنر

تیم ملی فوتبال هلند

همان‌طور‌که‌با‌لقب

لاله‌های نارنجی شناخته

می‌شود، لقب فرمی

دیگری با‌عنوان

بدشانس‌های جام هم

دارد، چراکه با وجود حضور

در سه فینال جام جهانی

فوتبال در سال‌های ۱۹۷۴، ۲۰۱۰ دست‌خالی

زمین مسابقه را ترک کرد و علی‌رغم شایستگی

فراوان، کلاس جهانی و بازی‌های همواره چشم‌نواز تا

امروز هرگز موفق به تصاحب عنوان قهرمانی

جام جهانی نشده است.



هلند بازیگری ایران جواد عزتی است که با بازی‌های چشمگیر و متفاوت خود سه بار تا یک‌قدمی دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر رفته اما هربار و با وجود شایستگی و گمانه‌زنی دوستداران پرشمارش برای پیروزی، بدون جایزه به خانه برگشت. البته میزان محبوبیت عزتی و تحسین هرباره‌ای که تماشاگران و منتقدان سینما ناراش می‌کنند، تا حدود زیادی خلأ جام بازیگری فجر را در کارنامه او جبران کرده و چه‌بسا بسیار ارزشمندتر هم باشد. این بار و در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر هم عزتی حضور دارد و فیلم «کت چرمی» (حسین میرزامحمدی) با درخشش او به سنانس‌های فوق‌العاده رسیده است. اگر آن نحسی هلندی دامنگیرش نشود و باخت هلند در جام جهانی اخیر مقابل آرژانتین در ضربات پنالتی را هم فراموش کنیم و نظر تیم دآوری هم روی بازی عزتی مثبت باشد، طلسم تاریخی خواهد شکست و این بازیگر بعد از سه نامزدی برای بازی در فیلم‌های «ماجرای نیمروز»،